

مسئولیت ناشی از قطع مذاکرات پیش قراردادی

(مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، فرانسه،

اصول قراردادهای بین‌المللی و اروپایی)^۱

مهدی قبولی درافشان* - سعید محسنی**

(تاریخ دریافت: ۹۳/۶/۱ - تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۱/۲۰)

چکیده

به طور معمول مذاکرات مقدماتی زمینه‌ساز انعقاد قراردادهای مهم است؛ در این مرحله از مراحل مقدماتی انعقاد قرارداد نیز اصل آزادی حکومت دارد؛ با این همه مسأله این است که در صورت قطع مذاکرات توسط یکی از طرفین با وجود اصل مزبور، بر اساس چه مبنایی می‌توان قطع‌کننده مذاکره را مسئول دانست و چه اثری بر مسئولیت مزبور بار می‌شود. این جستار با بررسی تطبیقی موضوع در حقوق فرانسه، حقوق ایران و اصول قراردادهای بین‌المللی و اصول حقوق اروپایی قراردادها به این نتیجه دست یافته است که در حقوق فرانسه و اصول پیش‌گفته نقض تعهد حسن‌نیت و ارتکاب تقصیر مبنای مسئولیت مزبور است و در نظام حقوقی ایران بسته به مورد و در صورت وجود شرایط، می‌توان از میانی عام مسئولیت مدنی (تسبیب، لاضرر، غرور و تقصیر) در این زمینه بهره جست. در هر حال در صورت تحقق شرایط مسئولیت قطع‌کننده مذاکره، وی مکلف به پرداخت غرامت در خصوص کلیه خسارت‌های وارده خواهد بود؛ البته خسارت‌های مثبت و به تعبیری منافع صرفاً احتمالی حاصل از انعقاد قرارداد قابل مطالبه نخواهد بود.

کلید واژگان: مذاکرات مقدماتی، مسئولیت مدنی، خسارت مثبت، خسارت منفی

۱. این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی شماره ۳۴۸۹ بوده که با حمایت دانشگاه فردوسی مشهد انجام شده است. بدین وسیله از معاونت محترم پژوهشی دانشگاه تشکر می‌گردد.

Ghaboli@um.ac.ir

* دانشیار گروه حقوق دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

s-mohseni@um.ac.ir

** دانشیار گروه حقوق دانشگاه فردوسی مشهد

مقدمه

قرارداد به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اسباب پیدایش حق و تکلیف، در کلیه نظام‌های حقوقی مباحث گسترده‌ای را به خود اختصاص داده است. طبیعی است برای انعقاد یک قرارداد مراحل مختلفی انجام می‌شود؛ یکی از مراحل مزبور مرحله مذاکرات مقدماتی است. به‌طور معمول مذاکرات مقدماتی در قراردادهایی که دارای اهمیت بیش‌تری هستند، از جایگاه مهم‌تری برخوردارند؛ در واقع شرایط و محتوای قرارداد در این مرحله رقم می‌خورد و به‌همین جهت، دوره‌ای مبنایی در خلق قرارداد محسوب می‌شود. طبیعی است چنان‌چه مذاکرات با موفقیت سپری شود قرارداد منعقد خواهد شد؛ لیکن گاه جریان مذاکرات به دلایل مختلفی که بعضاً به اراده خود طرفین بستگی دارد و بعضاً به عناصر خارج از آن‌ها مرتبط است، به سرانجام نمی‌رسد؛ حال باید دید که از نقطه نظر حقوقی اگر یکی از طرفین بدون دلیل موجه اقدام به قطع مذاکرات نماید و از این رهگذر موجب ورود خسارت به طرف مقابل گردد، آیا در برابر رفتار خویش مسئولیتی دارد یا خیر؟ در واقع سؤال این است که آیا هر یک از طرفین می‌توانند به استناد اصل آزادی قراردادی، بدون دلیل موجه به مذاکراتی خاتمه دهند که طرف مقابل به اعتماد آن و به امید تحصیل قرارداد متعاقب آن، متحمل هزینه شده و یا منافع و موقعیت‌هایی را از دست داده است.

در نظام‌های حقوقی مختلف، ضمن تأیید و تأکید بر اصل آزادی قراردادی و این‌که اشخاص همان‌گونه که در انعقاد قرارداد آزاد هستند، در عدم انعقاد قرارداد نیز آزادی دارند، در مواردی که مذاکرات پیشرفت کرده و امید مشروع و متعارف به انعقاد قرارداد ایجاد گردیده، از مسئولیت مدنی قطع‌کننده مذاکرات نیز سخن به میان می‌آورند. در میان نظام‌های حقوقی که به مسأله مسئولیت ناشی از قطع مذاکرات پرداخته، حقوق فرانسه به‌عنوان یکی از نمایندگان شاخص نظام حقوقی رومی ژرمنی است؛ به‌علاوه اصول قراردادهای بین‌المللی که بر اساس مطالعه تطبیقی در نظام‌های حقوقی مختلف و توسط مؤسسه یکنواخت نمودن حقوق خصوصی تهیه شده و نیز اصول حقوق اروپایی قراردادها که لاجرم به نظام‌های حقوقی مختلف در حوزه اتحادیه اروپا توجه داشته است، از جهت مطالعه تطبیقی دارای اهمیت می‌باشند.

این جستار درصدد است، ضمن بررسی مبانی مسئولیت ناشی از قطع مذاکرات در نظام حقوقی فرانسه و اصول پیش‌گفته، دیدگاه نظام حقوقی ایران را در این خصوص آشکار نموده (مبحث نخست) و به تبیین آثار مسئولیت مزبور پردازد (مبحث دوم).



مبحث نخست - مبنای مسئولیت

برای شناسایی مسئولیت ناشی از قطع مذاکرات باید در پی مبنایی بود که مسئولیت مذکور بر آن استوار گردد. در این راستا، با توجه به سابقه طرح مسأله در نظام حقوقی فرانسه، اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی و اصول حقوق اروپایی قراردادها شایسته است ابتدا به بررسی مبنای مسئولیت ناشی از قطع مذاکرات در حقوق فرانسه (بند نخست) و اصول پیش‌گفته (بند دوم) پرداخته شود و سپس دیدگاه حقوق ایران در این زمینه مورد مطالعه قرار گیرد (بند سوم).

بند نخست - مبنای مسئولیت در حقوق فرانسه

قانون مدنی فرانسه به‌رغم این که به مسأله تشکیل قرارداد پرداخته، سخنی از مذاکرات مقدماتی و احکام آن به میان نیاورده است. بنابراین در خصوص پذیرش یا عدم پذیرش مسئولیت ناشی از نقض مذاکرات مقدماتی و یافتن مبنای آن، باید پاسخ مسأله را در دکتترین و رویه قضایی فرانسه جستجو نمود.

با بررسی نظام حقوقی فرانسه مشخص می‌شود که یکی از اصول مهم پذیرفته شده در قلمرو قراردادها، اصل آزادی قراردادی است. (Marty et Raynaud, 1988, pp: 27 s.; Flour, Aubert et Savaux, 2002, pp: 67 s; Weill et Terré, 1980, pp: 51 s.) اصل هر شخصی برای انعقاد قرارداد آزاد است و به‌همین ترتیب هر شخصی آزاد است که از انعقاد قرارداد خودداری نماید؛ به دیگر سخن، آزادی قراردادی به‌عنوان رکن اساسی حسن جریان اقتصاد بازار، ایجاب می‌نماید که هر شخصی بتواند آزادانه به مذاکرات پایان دهد. (Le Tourneau et Cadiet, 2002, p: 84) (Terré, Simler et Lequette, 1996, p: 143) برخی نیز با استناد به برخی از آرای قضایی، اظهار می‌دارند که با توجه به این که مذاکرات مقدماتی به ایجاب حقیقی نینجامیده است، قطع مذاکرات مزبور اصولاً مشروع است.

البته اصل مزبور از محدودیت نیز برخوردار است. به تعبیر برخی از نویسندگان فرانسوی (Bénabent, 1995, p: 37)، تنها محدودیت اصل مذکور عبارت است از تکلیف عام حسن‌نیت و درستکاری. بند ۳ ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه تکلیف می‌کند که قراردادها باید با حسن‌نیت اجرا شود.^۱ هر چند مقرر مزبور صرفاً از حسن‌نیت در مرحله اجرا سخن گفته، لیکن دکتترین حقوقی و رویه قضایی فرانسه رعایت آن را در مرحله انعقاد قرارداد و تفسیر آن

1. Article 1134: "... Elles doivent être exécutées de bonne foi."

نیز لازم می‌دانند؛ بنابراین طرفین متعهد هستند که در مذاکرات مقدماتی با حسن‌نیت رفتار نمایند. (Terré, Simler et Lequette, 1996, p: 143) طبیعی است تکلیف به رعایت حسن‌نیت در مرحله مذاکرات مقدماتی، رعایت صداقت و لوازم آن در پیش‌برد مذاکرات را ایجاب می‌کند.

برای جمع میان دو اصل به‌ظاهر متعارض مذکور (اصل آزادی و اصل حسن‌نیت)، رویه قضایی فرانسه بر این اساس عمل نموده که قطع مذاکرات اصولاً آزاد است. لیکن چنانچه قطع مذاکره توسط اشخاص مرتبط با آن، وصف سوء استفاده به خود گیرد، مسئولیت وی را به دنبال خواهد داشت. (Terré, Simler et Lequette, 1996, p: 143) در واقع اقدام مزبور مصداق تقصیر بوده و ماده ۱۳۸۲ قانون مدنی فرانسه هرگونه عمل مبتنی بر تقصیر را موجب مسئولیت عامل آن دانسته است؛ البته لازم به ذکر است که در گذشته در حقوق فرانسه، قطع گفتگوها فقط در صورتی همراه با تقصیر به‌شمار می‌آمد که با نیت اضرار صورت گرفته باشد، لیکن دیوان عالی کشور فرانسه به موجب رأی ۲۰ مارس ۱۹۷۲^۱ و نیز آراء سوم اکتبر ۱۹۷۲^۲ و ۱۲ آوریل ۱۹۷۶^۳، چنین نظر داده است که نیت و قصد اضرار برای توسل به مواد ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ قانون مدنی^۴، لازم نیست. (De Coninck, 2002, p: 22)

هم‌چنین باید توجه داشت که بار اثبات تجاوز از حسن‌نیت و تحقق تقصیر، به عهده مدعی آن است. در این راستا، دادگاه‌ها نسبت به پذیرش نقض حسن‌نیت سخت‌گیرانه عمل می‌نمایند. (Buffelan-Lanore et Larribau-Terneyre, 2010, p: 266) در واقع نگرانی محاکم فرانسه^۵ از به خطر افتادن بیش از حد آزادی قراردادی موجب شده است که فقط در مواردی که تقصیر آشکار^۶ و غیر قابل مناقشه وجود دارد، مسئولیت را مورد پذیرش قرار می‌دهند. (Terré, Simler et Lequette, 1996, p: 144, référence 5) در هر حال همان‌گونه که دیوان عالی کشور فرانسه

1. Cass. Fr. (com.), 20 mars 1972; Rev. Trim. dr. civ. 1972.

2. Cass. Fr. (civ.), 3 octobre 1972.

3. Cass. Fr. (civ.), 12 avril 1976.

۴. مواد ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ قانون مدنی فرانسه بیانگر قواعد عام مسئولیت مدنی در حقوق فرانسه بوده و از لزوم تقصیر برای شناسایی مسئولیت سخن گفته است.

Article 1382: "Tout fait quelconque de l'homme, qui cause à autrui un dommage, oblige celui par la faute duquel il est arrivé à le réparer."

Article 1383: "Chacun est responsable du dommage qu'il a causé non seulement par son fâte, mais encore par sa négligence ou par son imprudence."

5. cf. CA Pau 14 janv. 1969 cité par Terré, Simler ET Lequette, 1996, p. 144, référence 5.

6. faute patente

در رأیی به تاریخ ۲۲ آوریل ۱۹۹۷ مقرر نموده، تشخیص تقصیر در قطع مذاکرات امری ماهوی بوده و در صلاحیت قضات ماهوی است. (De Coninck, 2002, pp: 24-25)

لزوم اثبات نقض حسن نیت (تقصیر) برای مسئول قلمداد نمودن شخصی که اقدام به قطع مذاکرات نموده، در تمام موارد صادق است. بنابراین حتی در فرضی که طرفین مذاکره قبلاً برای انجام مذاکرات، پیش‌قراردادی امضا نموده‌اند، هریک از طرفین حق دارد مذاکرات را قطع نماید و مسئولیت وی در این خصوص منوط به احراز تقصیر او می‌باشد؛ در این راستا لازم به ذکر است که دکترین حقوقی و رویه قضایی فرانسه برای طرفین مذاکره تعهداتی را مقرر نموده‌اند که مبتنی بر حسن نیت بوده و نقض آن تعهدات تقصیر دانسته شده است، به‌عنوان نمونه، اطلاع‌رسانی صادقانه به طرف مقابل در جریان مذاکره، مهلت دادن به طرف مقابل برای عکس‌العمل معقول، تلاش برای رسیدن به توافق که به‌طور ویژه در حقوق کار مصداق دارد، اجتناب از ارائه پیشنهادهایی که غیرقابل پذیرش بودن آن به روشنی معلوم است، خودداری از اقداماتی که باعث ایجاد تأخیر غیرموجه می‌شود، عدم ادامه مذاکره در فرضی که شخص تصمیم به قطع مذاکره گرفته است و نیز رعایت محرمانگی اطلاعات محرمانه‌ای که در جریان مذاکره به دست آمده است. (Malaurie, Aynès et Stoffel-Munck, 2009, p: 237; v. Le Tourneau et Cadiet, 2002, p: 86).

طبیعی است نقض هریک از تعهدات مزبور، تقصیر محسوب شده و می‌تواند مسئولیت مقصر را به دنبال داشته باشد؛ مهم‌ترین مواردی که در عمل در بحث قطع مذاکرات پیش‌قراردادی به‌عنوان مصداق تقصیر به‌شمار آمده، عبارت است از این که شخص بدون داشتن قصد جدی انعقاد قرارداد، شروع به مذاکره نماید یا این که مذاکره را صرفاً با هدف بازداشتن طرف مقابل از مذاکره با دیگری شروع کند؛ هم‌چنین است اگر ورود به مذاکرات با هدف دستیابی به اسرار طرف مقابل صورت گرفته باشد؛ طولانی نمودن مذاکراتی که بی‌نتیجه بودن آن از ابتدا بر شخص قطع‌کننده مذاکره معلوم بوده و نیز قطع مذاکرات پیشرفته بدون دلیل مشروع و به صورت یک‌جانبه نیز مصداق تقصیر (تجاوز از حسن نیت) و موجب مسئولیت دانسته شده است. (Terré, Simler et Lequette, 1996, p: 144)

هم‌چنین در مواردی که مذاکره‌کننده در خصوص موضوع مذاکره فاقد حق است، اقدام وی تقصیر محسوب شده است؛ (De Coninck, 2002, p: 25) در هر حال برای احراز تقصیر باید رفتار طرفین مذاکره با رفتار انسان متعارف محتاطی که در همان شرایط و اوضاع و احوال قرار دارد، سنجیده شود؛ به دیگر سخن، تقصیر در مذاکرات، مشمول تعریف عام تقصیر غیرقراردادی است؛

(De Coninck, 2002, p: 30) در عین حال این نکته که رفتار قطع کننده مذاکره قبل از قطع مذاکره، اعتماد مشروعی برای طرف مقابل ایجاد نموده باشد، به عنوان معیاری برای ارزیابی تقصیر تبدیل گردیده است. (De Coninck, 2002, p: 21).

حال سؤالی که باید به آن پاسخ داد این است که مسئولیت ناشی از نقض مذاکرات مقدماتی مبتنی بر تقصیر قراردادی است و مسئولیت مزبور ماهیت قراردادی دارد یا مبتنی بر تعهدات قراردادی نبوده و مسئولیت غیرقراردادی به شمار می آید. بدیهی است مسئولیت قراردادی مستلزم وجود قراردادی معتبر است؛ (Mazeauds, 1985, p: 365) حال چنانچه در موضوع مورد بررسی بر این عقیده باشیم که به صورت ضمنی، قراردادی مقدماتی وجود دارد و بر اساس آن طرفین متعهد به رعایت حسن نیت و لوازم آن در مذاکرات هستند، طبیعی است تعهد ایشان مبنی بر پاسخ گویی بابت تقصیرهایی که در جریان مذاکرات مرتکب می شوند ریشه قراردادی پیدا می کند؛ این دیدگاه به ایرینگ^۱ (حقوق دان آلمانی) منتسب شده است. (Terré, 1996, p: 144, référence 6) در مقام نقد نظر مزبور، باید گفت منتسب نمودن تعهدات مزبور به اراده ضمنی طرفین ادعایی بیش نیست و پذیرش انعقاد قراردادی مقدماتی در این خصوص با تکلف همراه است. شاید به همین دلیل، رویه قضایی فرانسه^۲، به طور قاطع نظریه مسئولیت قراردادی را مردود اعلام کرده است.

دکترین حقوقی غالب در فرانسه (Terré, Simler et Lequette, 1996, p: 144; Marty et Raynaud, 1988, p: 101; Malaurie, Aynès et Stoffel-Munck, 2009, p: 238; Buffelan-Lanore et Larribau-Terneyre, 2010, pp: 266 et 752; De Coninck, 2002, pp: 22; Le Tourneau et Cadiet, 2002, pp: 84 et 86; Bénabent, 1995, p: 38) همگام با رویه قضایی این کشور (De Coninck, 2002, p: 22)، مسئولیت ناشی از قطع مذاکرات مقدماتی را بر پایه تقصیر غیرقراردادی توجیه می کند و نوع مسئولیت را غیر قراردادی^۳ به شمار می آورد.^۴

1. Ihering

2. Cass. com. 11 janv. 1984; Cass. 3^e civ. 3 oct. 1972; rapp. Cass. com. 23 mai 1989, cité par Terré, Simler et Lequette, 1996, p. 144, référence 7.

3. responsabilité délictuelle.

۴. البته عبارات برخی از حقوقدانان فرانسوی (Carbonnier, 1988, p. 83) که سخن از تعهد ضمنی مبنی بر حفظ نمودن ایجاب به میان آورده اند، می تواند دلالت بر پذیرش نظریه مسئولیت قراردادی در مسأله قطع مذاکرات مقدماتی داشته باشد.

البته باید توجه داشت که چنانچه قرارداد به مرحله انعقاد رسیده باشد، دیگر مسأله مذاکرات پیش‌قراردادی و نقض آن مطرح نیست؛ بلکه سخن از مسئولیت قراردادی ناشی از نقض آن به میان خواهد آمد. در خصوص این که در حقوق فرانسه چه زمانی قرارداد منعقد می‌گردد، باید گفت به‌طور طبیعی قرارداد از ایجاب و قبول آن محقق می‌شود؛ به علاوه همان‌گونه که برخی از نویسندگان فرانسوی (Flour, Aubert et Savaux, 2002, p: 91) بیان داشته‌اند: ایجاب، وقتی محقق می‌گردد که حداقل دربردارنده عناصر اساسی بوده باشد و منظور از عناصر اساسی عناصری است که در صورت فقدان آن، معلوم نباشد که چه قراردادی منعقد شده است؛ بنابراین برای تحقق قرارداد که در پی ایجاب و قبول محقق می‌گردد نیز توافق طرفین در مورد شروط اساسی می‌تواند کافی باشد. (v. Colin, Capitant et Julliot De la Morandière, 1966, p: 172)

بند دوم - مبنای مسئولیت در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی و اصول حقوق اروپایی قراردادها

الف - اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی

در خصوص قطع مذاکرات و مسئولیت ناشی از آن در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی با ماده ۱۵-۲^۱ مواجه هستیم؛ به موجب این ماده، «۱- طرفین برای مذاکره آزاد بوده و چنانچه به توافق دست نیابند، مسئول به شمار نمی‌آیند. ۲- با وجود این، طرفی که انجام یا قطع مذاکره را با سوءنیت همراه می‌سازد، مسئول زبانی است که موجب ورود آن به طرف دیگر شده است. ۳- به‌ویژه طرفی که با علم به این که قصد رسیدن به توافق را ندارد، وارد مذاکره شود یا آن را ادامه دهد، دارای سوءنیت است.»

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، بند نخستین ماده مذکور بر آزادی مذاکره به‌عنوان یکی از نتایج اصل بنیادین آزادی قراردادی تأکید نموده است. در آرای داوری بین‌المللی نیز با استناد به این بند، بر عدم مسئولیت ناشی از صرف قطع مذاکره تأکید شده است؛ به‌عنوان نمونه، به‌موجب پرونده‌ای، یک شرکت امریکایی سرمایه‌گذار در حوزه انرژی در پی انعقاد قراردادی با دولت ترکیه برآمده بود؛ لیکن به‌رغم چند دوره مذاکره با نمایندگان کشور ترکیه و صرف هزینه‌هایی

۱. با توجه به افزایش مواد اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی در ویرایش‌های سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۱۰، شماره ماده ۱۵-۲ در ویرایش‌های مذکور به شماره ۱۵-۲ تغییر یافته است بدون این که در محتوای ماده تغییری صورت گرفته باشد. برای ملاحظه آخرین ویرایش اصول، رک. (International Institute for the Unification of Private Law, 2010)

در این رابطه، به دلیل تغییرات در قوانین ترکیه، امکان انعقاد قرارداد فراهم نگردید، به همین دلیل شرکت مزبور دعوایی علیه دولت ترکیه به خواسته مطالبه خسارت در مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری (ایکسید) اقامه نمود. مرکز مزبور، در پرتو ماده ۱۵-۲ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، این‌گونه اظهار عقیده نمود که اصولاً هیچ الزامی برای رسیدن به توافق و مسئولیتی در قبال عدم انجام این کار وجود ندارد.^۱

البته توجه به بند دوم این ماده نشان می‌دهد که از نظر اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی نیز اصل آزادی مذاکره بدون محدودیت نیست و چنانچه شخصی در ورود به مذاکرات یا قطع آن با سوءنیت عمل نماید، دارای مسئولیت است؛ بند سوم ماده مورد بررسی نیز یکی از مصادیق بارز سوءنیت مذاکره‌کننده را بیان نموده است.

در شرح مندرج در ذیل ماده مزبور، این ماده امتداد ماده ۷-۱ اصول دانسته شده است، توضیح این‌که بر اساس ماده اخیر، اصل حسن‌نیت به‌عنوان یکی از قواعد آمره اصول به‌شمار آمده است که طبق آن، نه تنها طرفین متعهد به انطباق خود با الزامات حسن‌نیت در تجارت بین‌الملل هستند، بلکه حق محدود نمودن قلمرو آن را نیز ندارند؛ به همین جهت حق مذاکره آزاد نباید در تعارض با اصل حسن‌نیت قرار گیرد؛ البته باید توجه داشت که نحوه نگارش متن ماده ۱۵-۲ از یک سو و شرح ماده مزبور از سوی دیگر، زمینه اختلاف درباره شخصی یا نوعی بودن حسن‌نیت را فراهم آورده است، توضیح این‌که در متن ماده ۱۵-۲ (بند دوم) فقط سوءنیت در مذاکره نفی گردیده که بیانگر لزوم وجود حسن‌نیت در معنی شخصی آن است؛ در حالی که در شرح ماده مزبور از لزوم رعایت حسن‌نیت به‌نحو مطلق سخن به میان آمده که گستره‌ای وسیع‌تر دارد و حسن‌نیت به معنی نوعی را نیز دربردارد؛ به دیگر سخن، نه تنها مذاکره‌کنندگان نباید با سوءنیت به مذاکره بپردازند، بلکه عملکرد ایشان باید منطبق بر رفتار متعارف باشد؛ (De Coninck, 2002, p: 97) در واقع چنانچه در تشخیص حسن‌نیت و فقدان آن، ضابطه شخصی ملاک باشد، قلمرو آن محدودتر بوده، اقدامات نامتعارف که بدون سوءنیت ارتکاب یابد را دربر نمی‌گیرد.^۲

1. <http://www.unilex.info/case.cfm?pid=2&do=case&id=1670&step=Abstract>

البته در پرونده استادی فوق، ایکسید دولت ترکیه را به دلایل و جهات دیگر، ملزم به جبران خسارت‌هایی همچون خسارت ناشی از هزینه‌های مشاوره حقوقی، مطالعات فنی و مجوز کسب محکوم کرد ولی ادعای خسارت ناشی از عدم‌النفی و ارزش افزوده طرح مورد پذیرش قرار نگرفت.

۲. برای ملاحظه دیدگاه‌های مختلف درباره ضابطه نوعی و شخصی حسن‌نیت، رک. (انصاری، ۱۳۸۸، صص ۹۶-۱۰۹).

برخی (De Coninck, 2002, p: 99) در توجیه اختلاف متن ماده ۱۵-۲ و شرح آن از احتمال تأثیر اختلاف دیدگاه نظام‌های حقوقی کامن‌لا و حقوق نوشته سخن گفته‌اند؛ توضیح این‌که نویسندگان اصول برای جلوگیری از برخورد با نظام حقوقی کامن‌لا، در متن ماده صرفاً فقدان سوءنیت را لازم دانسته‌اند، با این‌همه در شرح ماده مزبور به نحوی از حسن‌نیت سخن به میان آورده‌اند که زمینه تفسیرهای مختلف را فراهم آورده است. بدیهی است انتخاب تفسیر نوعی یا شخصی از حسن‌نیت مذکور در شرح ماده ۱۵-۲ بستگی به رویه کنشگران عرصه حقوق دارد. (De Coninck, 2002, p: 101)

البته جالب توجه است که در شرح ماده ۱۵-۲ برای تبیین مسأله، از مثال‌هایی استفاده شده که در هر دو دسته نظام حقوقی کامن‌لا و رومی ژرمنی مورد قبول می‌باشد؛ (De Coninck, 2002, p: 100) نخستین مثال مربوط به شخصی است که با مالک یک رستوران مذاکراتی را با این انگیزه آغاز می‌کند که مانع انتقال رستوران به رقیب خود گردد، دومین مثال راجع به فروشنده تجهیزات نظامی است که با علم به این‌که طرف مذاکره‌اش نمی‌تواند مجوزهای لازم برای صدور کالاهای موضوع معامله را به دست آورد، با او وارد مذاکره می‌شود، در سومین مثال یک شرکت تابع بانک پس از مذاکرات طولانی اعلام می‌دارد که اختیار لازم برای توافق درباره اعطای اعتبار و تسهیلات پیش‌گفته را نداشته است؛ به موجب مثال دیگری که در زمینه مسئولیت ناشی از قطع مذاکرات با سوءنیت مقرر گردیده، اعطاکننده یک امتیاز برای اعطای امتیاز، در ابتدا دو شرط را مطرح می‌سازد: ۱- اقدامات لازم برای کسب تجربه ۲- سرمایه‌گذاری به میزان مبلغی مشخص، لیکن قبل از فرارسیدن موعد امضای قرارداد امتیاز، اعلام می‌دارد که طرف مقابل باید مبلغی بیش‌تر از مبلغ پیش‌گفته سرمایه‌گذاری نماید و همین مسأله باعث قطع مذاکرات می‌گردد.

به اعتقاد برخی از نویسندگان حقوقی، (De Coninck, 2002, p: 100) هرچند در سه مثال اول، دوم و چهارم، وجود سوءنیت محرز است، لیکن مثال سوم با هر دو فرض سوءنیت و تقصیر بدون سوءنیت قابل جمع است. زیرا در این مثال تعیین نشده است که شرکت مزبور عمداً فقدان اختیارات خود را کتمان نموده یا در اثر غفلت مرتکب اقدام مزبور شده است.

در خصوص قراردادی یا غیرقراردادی بودن مسئولیت ناشی از قطع مذاکرات، متن اصول و شرح آن ساکت است، به‌علاوه موضوع مورد بررسی از مواردی نیست که بتوان با توسل به

اصول کلی و بنیادین مورد نظر در بند ۲ ماده ۶-۱ اصول، درباره آن تصمیم گیری نمود؛ در توجیه این سکوت نیز می توان گفت، از آن جایی که اصول مبتنی بر مطالعات تطبیقی در نظام های حقوقی مختلف بوده و ماهیت مسئولیت ناشی از قطع مذاکرات از نظامی به نظام دیگر، به شدت مختلف است، پرداختن به ماهیت مسئولیت قطع مذاکرات با اقبال تدوین کنندگان اصول روبه رو نگردیده و به سکوت بر گزار شده است. (De Coninck, 2002, p: 102) البته در پرونده ای که توسط دیوان دادگستری اتحادیه اروپا^۱ به دعوی یک شرکت ایتالیایی علیه یک شرکت آلمانی مورد رسیدگی قرار گرفته، مستشار دیوان^۲ قطع مذاکرات همراه با سوءنیت را موجب مسئولیت دانسته و با استناد به بند دو ماده ۱۵-۲ اصول، مسئولیت مزبور را فاقد مبنای قراردادی شمرده و آن را مبتنی بر قانون دانسته است؛ قاضی دیوان بدون این که در رأی خود تصریحی به مواد اصول نماید، نظر مستشار دیوان را مورد پذیرش قرار داده است.^۳

در هر حال طبیعی است در مواردی که اصول ساکت بوده و بر اساس بند دوم ماده ۶-۱ نیز نتوان اقدام به حل مسأله نمود، لاجرم باید نظام حقوقی ملی حاکم بر مسأله را جستجو نمود و بر اساس آن مبادرت به حل مسأله نمود. اهمیت این مسأله به ویژه در این است که در خصوص احکام ناظر بر هر یک از دو دسته مسئولیت قراردادی و مسئولیت غیر قراردادی تفاوت هایی وجود دارد.

البته گفتنی است همان گونه که قبلاً نیز بیان شد، چنان چه قرارداد به مرحله انعقاد رسیده باشد، نقض آن مسئولیت قراردادی در پی خواهد داشت؛ بر این مبنای باید توجه داشت که بر اساس توضیح شماره یک ذیل ماده ۱۳-۲ اصول قراردادهای تجاری بین المللی (مؤسسه بین المللی یکنواخت کردن حقوق خصوصی، ۱۳۷۹، ص ۶۱)، توافق طرفین بر شروط اساسی موجب انعقاد قرارداد می گردد و در نتیجه از این مرحله به بعد باید از مسئولیت قراردادی سخن گفت.

ب- اصول حقوق اروپایی قراردادهای

اصول حقوق اروپایی قراردادهای نیز به مسأله آزادی قراردادی و قطع مذاکرات پرداخته است. در بند یک ماده ۱:۱۰۲ اصول مزبور آمده است، «طرفین در انعقاد قرارداد و تعیین

1. Court of Justice of the European Communities.

2. The Advocate General.

برای ملاحظه نقش مستشار و حدود صلاحیت وی، رک. (کدخدائی، ۱۳۸۰، صص ۹۰-۹۱).

3. <http://www.unilex.info/case.cfm?pid=2&do=case&id=813&step=Abstract>.

۴. در ویرایش های سال های ۲۰۰۴ و ۲۰۱۰، شماره ماده ۱۳-۲ بدون هیچگونه تغییر محتوایی، به شماره ۱۳-۲ تغییر یافته است.

محتوای آن آزاداند، مشروط بر این که اقتضائات حسن‌نیت و معامله منصفانه و قواعد آمرانه مقرر به وسیله این اصول را رعایت نمایند»، در ماده ۲:۳۰۱ اصول مزبور نیز ضمن تصریح به اصل آزادی مذاکره، از تکلیف طرفین مبنی بر رعایت حسن‌نیت و مسئولیت ناشی از عدم رعایت حسن‌نیت سخن گفته است؛ به موجب ماده مزبور، «۱- طرفین برای مذاکره آزاداند و مسئولیتی در قبال عدم حصول توافق ندارند. ۲- با این همه، طرفی که مذاکرات را برخلاف الزامات حسن‌نیت انجام می‌دهد یا اقدام به قطع آن می‌نماید، مسئول جبران خساراتی است که به طرف دیگر وارد می‌شود. ۳- به‌ویژه این که شخصی بدون قصد جدی برای حصول توافق، مبادرت به آغاز مذاکرات نماید یا آن را ادامه دهد، در مغایرت با الزامات حسن‌نیت است.»

همان‌گونه که به‌خوبی از این ماده برمی‌آید، اصول حقوق اروپایی قراردادهای رعایت اصل حسن در مذاکرات را لازم دانسته و برخلاف متن ماده ۱۵-۲ اصول قراردادهای بین‌المللی مؤسسه یکنواخت نمودن حقوق خصوصی، مسأله مزبور را به منع اعمال ارتكابی همراه با سوءنیت محدود نموده است. با توجه به وسعت معنی حسن‌نیت در ماده پیش‌گفته، برخی (De Coninck, 2002, pp: 107-108) در مقام تفسیر حسن‌نیت، از مفهوم نوعی حسن‌نیت سخن گفته‌اند.

در خصوص ماهیت مسئولیت ناشی از قطع مذاکرات، اصول حقوق اروپایی قراردادهای تصریحی ندارد، البته اصول مزبور در مورد مسئولیت پیش‌قراردادی اشاره به ماهیت مسئولیت نموده است؛ در واقع اصول در خصوص مسئولیت پیش‌قراردادی به دو مبنای مختلف قلب حقیقت یا ارائه تصویر غلط (misrepresentation) و تعهد قراردادی (promise) اشاره نموده است که مبنای اول مسئولیت غیرقراردادی و دومی مسئولیت قراردادی را مطرح می‌سازد؛ با این همه همان‌گونه که بیان شد، اصول حقوق اروپایی قراردادهای به‌ویژه در خصوص ماهیت مسئولیت ناشی از قطع مذاکرات سکوت اختیار نموده است. (V. De Coninck, 2002, p: 109)

بند سوم - حقوق ایران

در متون قانونی ایران در خصوص قطع مذاکرات مقرر و ویژه‌ای به چشم نمی‌خورد؛ با این همه، در نظام حقوقی ایران نیز اصل آزادی قراردادی مورد پذیرش قرار گرفته است.^۱ طبیعی

۱. گفتنی است از نقطه نظر فقهی نیز با توجه به عموماتی مانند «أوفوا بالعقد» و «المؤمنون عند شروطهم»، اصل آزادی قراردادهای قابل پذیرش است. البته در این زمینه اتفاق نظر وجود ندارد (رک. محقق داماد، ۱۳۸۸، صص ۲۶-۲۷ و ۱۶۶-۱۷۸؛ حائری، ۱۳۷۳).

است همان گونه که اشخاص در انعقاد قرارداد آزادند، تا زمانی که قراردادی منعقد نمایند، تعهدی بر عهده ایشان قرار نمی گیرد. زیرا از نظر حقوقی و نیز فقهی ادله مربوط به وفای به عهد و شرط (مانند مواد ۲۱۹ و ۲۳۷ قانون مدنی و نیز عموماً مانی مانند «أوفوا بالعقد» و «المؤمنون عند شروطهم») ناظر به مرحله پس از انعقاد قرارداد و شرط است. بنابراین اصولاً تا قبل از انعقاد قرارداد، تعهدی بر عهده مذاکره کنندگان مبنی بر ادامه مذاکرات به منظور انعقاد قرارداد، وجود ندارد، به همین جهت، در فرضی که طرفین خود نیز توافقی در این خصوص نداشته باشند، نمی توان از الزام اشخاص به ادامه مذاکره برای انعقاد قرارداد سخن گفت؛ حال که امکان الزام طرفین مذاکره به ادامه مذاکرات و انعقاد قرارداد منتفی است، این سؤال مطرح می گردد که آیا در نظام حقوقی ایران می توان از مسئولیت ناشی از قطع مذاکرات سخن گفت؟ آیا در این خصوص وجود یا فقدان حسن نیت تأثیری در پاسخ به مسأله دارد؟ پاسخ به این سؤالات از این جهت دارای اهمیت است که برخلاف متون قانونی فرانسه، اصول قراردادهای تجاری بین المللی مؤسسه یکنواخت نمودن حقوق خصوصی و اصول حقوق اروپایی قراردادهای، در متون قانونی ایران به صراحت ذکری از قاعده حسن نیت نشده است؛ البته ممکن است این سؤال پیش آید که آیا مقررات پیش گفته از اصول قراردادهای تجاری بین المللی و اصول حقوق اروپایی قراردادهای می تواند الگوی مناسبی برای حقوق ایران باشد؟ در این خصوص باید گفت، هر چند حسن نیت از این امتیاز برخوردار است که زاییده مفاهیم اخلاقی هم چون صداقت و درستکاری است و رسالت اجتناب از تقلب و تدلیس را بر عهده دارد، لیکن نهاد حقوقی مزبور دچار رخنه هایی نیز هست، در واقع از سویی، مفهوم حسن نیت و ضابطه آن دچار ابهاماتی است که این ایراد در مقررات پیش گفته نیز جلوه گر شده است، از سوی دیگر آنچه در نظام حقوقی ایران اهمیت دارد این است که حسن نیت به عنوان یک اصل کلی در متون قانونی ایران مورد تصریح قرار نگرفته و در نتیجه ابهامات جدی در مفهوم، شرایط و احکام حسن نیت پدیدار می گردد و همان گونه که برخی از نویسندگان (انصاری، ۱۳۸۸، ص ۸۳) بیان داشته اند، «حسن نیت با آن ظهور و صراحتی که در حقوق فرانسه دارد، در حقوق ایران به چشم نمی خورد... عدم ظهور حسن نیت در مقررات این مفهوم را در حقوق ایران ناشناخته گذاشته» است، البته در دکترین حقوقی ایران (به عنوان نمونه، رک. انصاری، ۱۳۸۸) تلاش های ارزنده ای برای تبیین مفهوم، ماهیت، قلمرو و ضمانت اجرای حسن نیت صورت گرفته است؛ ولی هنوز

سخن گفتن از اصل حسن‌نیت به‌عنوان اصلی حقوقی روشن و ضابطه‌مند دشوار است؛ البته نمی‌توان کتمان نمود که در نظام حقوقی ایران، نتایج حاصل از حسن‌نیت از طرق دیگر هم چون تمسک به عرف در برخی زمینه‌ها قابل استنباط است، به‌عنوان نمونه، برخی از اساتید حقوق (صفایی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۹) در عرصه آثار قراردادهای، سعی نموده‌اند که به نتایج مشابهی با نتیجه حسن‌نیت دست یابند؛ ایشان با استناد به مواد ۲۲۰ و ۲۲۵ قانون مدنی که از تکلیف متعاملین به لوازم عرفی قرارداد سخن به میان آورده، معتقدند که می‌توان تقریباً به همان نتیجه‌ای رسید که از نهاد حقوقی حسن‌نیت توقع می‌رود، به تعبیر ایشان، «رعایت حسن‌نیت در اجرای قرارداد را می‌توان از لوازم عرفی آن دانست» (صفایی، ۱۳۸۵، ص ۱۶۰).

در هر حال به‌نظر می‌رسد برای بررسی مسئولیت ناشی از قطع مذاکرات مقدماتی در نظام حقوقی ایران، باید به مبانی شناخته شده مسئولیت توجه نمود؛ در این میان، پر واضح است که سخن گفتن از مسئولیت قراردادی منوط به وجود قراردادی در این خصوص است، زیرا مبنای مسئولیت مزبور نقض تعهدات قراردادی است؛ البته همان‌گونه که در گذشته نیز بیان شد، چنان‌چه از مرحله مذاکرات مقدماتی عبور نماییم و قرارداد منعقد گردد، دیگر سخن از مسئولیت ناشی از قطع مذاکرات پیش‌قراردادی به میان نخواهد آمد. بلکه مسأله نقض قرارداد و مسئولیت قراردادی مطرح می‌شود، البته این که در چه زمانی قراردادی منعقد می‌گردد، نیازمند بررسی علیحده است. با این همه به‌نظر می‌رسد، همان‌گونه که برخی از حقوق‌دانان (کاتوزیان، ۱۳۸۵، صص ۷۳-۷۴) نیز بیان نموده‌اند، در نظام حقوقی ایران نیز پس از توافق طرفین درباره ارکان اصلی قرارداد، عقد محقق می‌گردد و تکمیل امور فرعی می‌تواند به عرف واگذار گردد؛ البته اگر طرفین، وقوع قرارداد را به‌طور صریح یا ضمنی وابسته به توافق در مورد امور فرعی نموده باشند، انعقاد قرارداد نیازمند توافق در مورد امور مزبور نیز می‌باشد. (برای ملاحظه دیدگاه‌های فقهی در این خصوص، ر.ک. خوئی، ۱۳۷۷، صص ۷۱ تا ۷۴ و خمینی، ۱۳۹۰، ق. ۵۰۵) در واقع از نظر تحلیلی، عقد با توافق اراده‌ها منعقد می‌گردد و برای تحقق چنین توافقی، توافق در مورد «تمام اموری که در دامنه حرکت اراده قرار می‌گیرد و متعلق قصد است» کفایت می‌کند. (ر.ک. شهیدی، ۱۳۷۷، ص ۱۶۶؛ نیز ر.ک. شهیدی، ۱۳۸۴، ۲۷)

به هر حال با توجه به فقدان قرارداد در این خصوص (حسب فرض)، نمی‌توان از مسئولیت قراردادی سخن گفت و باید به مبانی مسئولیت مدنی متوسل شد؛ به دیگر سخن، «پندار مربوط

به پیش قراردادادی که با آغاز گفتگوهای مقدماتی بین طرفین بسته می‌شود مبنای واقعی و خارجی ندارد؛ امری است که به خیال آنان نیز نمی‌رسد» (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ص ۲۸۱) برای تبیین مناسب‌تر مسأله، توجه به این نکته مهم است که در نظام حقوقی ایران مبنای متعددی برای مسئولیت مدنی پذیرفته شده است که در صورت تحقق شرایط هر یک از مبنای مذکور، مسئولیت مدنی محقق می‌گردد، از جمله مبنای قابل بررسی در این خصوص، می‌توان به قواعد تسبیب، غرور، تقصیر و نفی ضرر اشاره نمود؛ گفتنی است هر چند قواعد مزبور نسبت به قلمرو حسن‌نیت، از گستره محدودتری برخوردار است، لیکن مبنای مزبور که ریشه در فقه امامی دارد، در نظام حقوقی ایران شناخته شده بوده و ضوابط روشن‌تری را برای حل مسائل مرتبط ارائه می‌دهد.

بر اساس قاعده تسبیب، چنان‌چه شخصی زمینه ورود خسارت به دیگری را پدید آورد، به گونه‌ای که عرف، فعل شخص مزبور را علت ورود خسارت به شمار آورد، مسبب، مسئول جبران خسارت خواهد بود. به موجب ماده ۳۳۱ قانون مدنی، «هر کس سبب تلف مالی بشود، باید مثل یا قیمت آن را بدهد و اگر سبب نقص یا عیب آن شده باشد، باید از عهده نقص قیمت آن برآید.» البته ممکن است گفته شود که در مسأله قطع مذاکرات مقدماتی، زیان‌دیده نیز خود اقدام به ورود به مذاکراتی که برای طرف مقابل الزام‌آور نبوده، نموده است و خود، مباشر زیان به خویش است؛ در پاسخ باید گفت چنان‌چه مذاکرات با دلیل موجه و بدون تقصیر قطع شده باشد، نمی‌توان میان ورود خسارت و سبب، رابطه علیت را احراز نمود، لیکن در مواردی که قطع‌کننده مذاکرات با تقصیر و سوء استفاده، اقدام به قطع مذاکره نموده باشد، عرف وی را سبب اقوی در ورود خسارت به طرف دیگر می‌داند و از این حیث مسئولیت متوجه او است.

مبنای دیگری که برای مسئولیت مدنی قطع‌کننده مذاکره می‌توان در نظر گرفت، قاعده غرور است؛ بر اساس این قاعده، چنان‌چه شخصی موجب فریب دیگری شده و به مغرور خسارت وارد آید، شخص اخیر می‌تواند برای دریافت خسارات خود، به فریب‌دهنده رجوع نماید.^۱ در خصوص لزوم یا عدم لزوم عمد و قصد فریب‌دهنده برای تحقق مسئولیت مبتنی بر قاعده غرور، میان اندیشمندان اختلاف نظر وجود دارد؛ در این میان برخی (حکیم، بی‌تا، ص ۲۶۹) عمد و قصد و آگاهی فریب‌دهنده را شرط دانسته و برخی دیگر (مراغی، ۱۴۱۸ق.ج ۲، ص ۴۴۱؛ طباطبایی

۱. المغرور یرجع إلى من غره.

یزدی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۷۹؛ رحمانی، ۱۳۷۶، ص ۱۹۵؛ موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ق.، ج ۱، صص ۲۶۹-۲۷۰؛ صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۱؛ بهرامی احمدی، ۱۳۸۸، ص ۶۶) فرض جهل فریب‌دهنده را نیز مشمول قاعده غرور به شمار آورده‌اند؛ برخی از حقوق‌دانان (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۷۰) با تکیه بر تقصیر فریب‌دهنده، راه‌حل سومی را مطرح نموده‌اند، به اعتقاد ایشان، باید به جای علم فریب‌دهنده از تقصیر وی سخن گفت. به دیگر سخن، تقصیر فریب‌دهنده شرط لازم برای تحقق مسئولیت مبتنی بر غرور دانسته شده است. در مقام داوری میان نظرات مختلف باید گفت، با توجه به این که اصولاً در صدق عناوین افعال، علم و قصد شرط نیست، در فرضی که غار بدون علم و آگاهی، موجب فریب دیگری می‌شود، عنوان غرور تحقق پیدا می‌کند؛ البته نباید از نظر دور داشت که برای تحقق مسئولیت، احراز رابطه علیت میان اقدام غار و فریب خوردن مغرور و انتساب خسارت‌ها به غرور، ضروری است.

با توجه به آن‌چه بیان شد، چنان‌چه شخصی اعتماد مشروع طرف مقابل را به انعقاد قرارداد جلب نموده و بدین ترتیب وارد مذاکره شده یا به مذاکره ادامه دهد و موجب شود که طرف مقابل برای انجام مذاکرات متحمل هزینه‌هایی گردد، عمل وی می‌تواند مصداق غرور بوده، مسئولیت وی در برابر مغرور را ایجاد نماید. البته در مسأله مورد بررسی باید توجه داشت که چون مذاکرات اولیه اصولاً الزام‌آور نیست، صرف ورود به مذاکره باعث تحقق غرور نمی‌گردد تا قطع مذاکرات مسئولیتی به دنبال داشته باشد. بنابراین اقدامات قطع‌کننده مذاکره باید به گونه‌ای بوده باشد که عرفاً غرور محقق گردیده و خسارت‌های وارد شده نیز ناشی از غرور باشد.

به علاوه برای مسئولیت قطع‌کننده مذاکره می‌توان از ماده یک قانون مسئولیت مدنی نیز بهره برد. بر اساس ماده مزبور، «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد». طبیعی است شخصی که از روی تقصیر اقدام به قطع مذاکرات مقدماتی نموده است و موجب شده که هزینه‌های صورت گرفته توسط طرف مقابل بی‌نتیجه گردد، موجب لطمه مالی به وی گردیده است. البته همان‌گونه که برخی از حقوق‌دانان (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ص ۲۸۱) نیز بیان داشته‌اند، تأمین آزادی کامل اشخاص ایجاب می‌نماید که در تشخیص و احراز تقصیر جانب احتیاط را نگاه داشت.

هم چنین برای مسئولیت قطع کننده مذاکره در قبال جبران خسارت های طرف مقابل می توان به قاعده لاضرر نیز استناد نمود. در واقع بنا بر نظر مشهور فقیهان، قاعده لاضرر، نافی احکام ضرری است (انصاری، ۱۴۱۴ق.، ص ۱۱۶؛ نائینی، ۱۴۱۸ق.، ج ۳، ص ۳۸۲؛ موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ق.، ج ۱، صص ۲۱۸-۲۱۹؛ مصطفوی، ۱۴۱۷ق.، ص ۲۴۳).^۱ حال چنان چه عدم مسئولیت قطع کننده مذاکره در فرضی که قطع مذاکره بدون علت موجه موجب زیان طرف مقابل گردیده است، حکمی ضرری محسوب گردد، بر اساس قاعده پیش گفته نفی می گردد و از نفی عدم مسئولیت، مسئولیت استنباط می گردد. البته ممکن است بسان برخی فقیهان (نراقی، ۱۴۱۷ق.، ص ۵۵؛ موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ق.، ج ۱، صص ۲۳۵-۲۳۶؛ مراغی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱، ص ۳۲۰) ادعا شود که قاعده لاضرر صرفاً ناظر به نفی احکام وجودی است و اثبات حکم نمی نماید. لیکن به نظر می رسد از سویی همان گونه که اگر برخی از اندیشمندان (محقق داماد، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۶۷) بیان داشته اند، احکام عدمی داخل در قلمرو قاعده لاضرر است، از سوی دیگر بازگشت عدم مسئولیت به براءت است که حکمی وجودی محسوب می گردد؛ در واقع به موجب قاعده مزبور در فرض مورد بررسی، براءت قطع کننده مذاکره نفی می گردد.

مبحث دوم - آثار مسئولیت

طبیعی است اثر شناسایی مسئولیت برای قطع کننده مذاکره، لزوم جبران خسارت های ناشی از اقدام مزبور است؛ در این راستا، از سویی باید دید جبران خسارت به چه شیوه ای باید صورت گیرد (بند نخست) و از سوی دیگر، شناسایی قلمرو خسارت های قابل جبران بایسته است. (بند دوم)

بند نخست - شیوه جبران خسارت

حال که اصل مسئولیت ناشی از قطع مذاکرات مورد پذیرش قرار گرفت، باید به این نکته توجه نمود که از لحاظ اصول کلی مسئولیت مدنی، دو شیوه جبران وجود دارد؛ از سویی، با شیوه جبران عینی خسارت مواجه هستیم که بهترین شیوه جبران می باشد و مقصود از آن اعاده

۱. برخی از فقهای معاصر (حسینی سیستانی، ۱۴۱۴ق.، صص ۱۳۴ به بعد) نیز ضمن پذیرش نفی حکم ضرری به استناد فقره اول حدیث (لاضرر)، بر اساس قسمت دوم روایت (لاضرار)، اولاً تحریم اضرار و ثانیاً تشریح وسایل اجرایی مناسب برای جلوگیری از زیان را استنباط کرده اند.

وضع به حالت پیشین است و از سوی دیگر با پرداخت خسارت به‌عنوان شیوه جایگزین مواجه هستیم. (در این خصوص، رک. صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹، صص ۳۱۱-۳۱۳) بنابراین باید دید در صورت ورود خسارت ناشی از قطع مذاکرات، به کدام‌یک از دو شیوه می‌توان متوسل شد؛ البته قبل از تبیین دیدگاه نظام‌های حقوقی مورد بررسی در این خصوص، باید گفت که به‌طور منطقی، معنای جبران عینی در مسأله قطع مذاکرات، الزام به از سرگیری مذاکره می‌باشد، با این همه در برخی از متون حقوقی مورد بررسی، (Terré, Simler et Lequette, 1996, p: 144) جبران عینی در معنای الزام به انعقاد قرارداد به کار رفته و مورد بررسی قرار گرفته است.

در نظام حقوقی فرانسه امکان الزام قطع‌کننده مذاکره به انعقاد قرارداد منتفی دانسته شده است. (Terré, Simler et Lequette, 1996, p: 144; Bénabent, 1995, p: 38) مواردی با قراردادهای مقدماتی مبنی بر انجام مذاکره مواجه هستیم که در حقوق فرانسه با عناوین مختلف از قبیل توافق مقدماتی (accord preparatoire)، قرارداد موقت (contrat temporaire) یا قرارداد مذاکره (contrat négociation) شناخته می‌شود؛ (Terré, Simler et Lequette, 1996, p: 145) حال سؤال این است که در صورت قطع مذاکره به رغم وجود قراردادهای مزبور، آیا امکان الزام قطع‌کننده مذاکره به انعقاد قرارداد وجود دارد؟ همان‌گونه که برخی از حقوق‌دانان فرانسوی (Terré, Simler et Lequette, 1996, p: 145; Buffelan-Lanore et Larribau-Terneyre, 2010, p: 752) بیان داشته‌اند، تعهد طرفین مذاکره یک تعهد ساده به رعایت حسن‌نیت است و نمی‌تواند موجب الزام ایشان به انعقاد قرارداد مورد نظر گردد؛ راه‌حل مزبور توسط آراء شعب تجاری و مدنی دیوان عالی فرانسه - Buffelan-Lanore et Larribau-Terneyre, 2010, p: 752) نیز تأیید شده است که به موجب آن، طرفین مذاکره می‌توانند در هر زمانی مذاکرات مقدماتی را قطع نمایند.

در اصول قراردادهای بین‌المللی در خصوص جبران عینی به معنای الزام قطع‌کننده مذاکره به انعقاد قرارداد سخنی گفته نشده است. برخی نویسندگان حقوقی (De Coninck, 2002, p: 104) معتقدند امکان جبران عینی به معنای مزبور، از اصول قراردادهای بین‌المللی قابل استنباط نیست^۱

۱. البته همان‌گونه که در ویرایش ۲۰۰۴ اصول، در شرح ماده ۱۵-۱-۲ (شماره ۱۵-۲ بر اساس نسخه ۱۹۹۴) با افزودن یک پاراگراف، ذکر گردیده (International Institute for the Unification of Private Law, 2010, p. 60)، در فرضی که طرفین به صراحت تعهد به مذاکره با حسن نیت را مورد توافق قرار داده باشند، نقض تعهد مزبور، امکان تمسک به روش‌های مختلف برای جبران نقض تعهد از جمله الزام به انجام تعهد را فراهم می‌آورد.

به‌ویژه این که در نظام‌های حقوقی رومی ژرمنی چنین الزامی به چشم نمی‌خورد و در نظام حقوقی کامن‌لا نیز الزام مزبور مردود اعلام شده است.

البته همان‌گونه که بیان شد، مفهوم جبران عینی در مسأله قطع مذاکرات، الزام به از سرگیری مذاکره و نه الزام به انعقاد قرارداد است؛ با این حال اصول در خصوص جبران عینی به معنای الزام قطع‌کننده مذاکره به از سرگیری مذاکره نیز سخنی به میان نیاورده است، لیکن با توجه به این که بر اساس مواد ۷-۱ و ۱۵-۲ اصول، مذاکره‌کنندگان ملزم به رعایت حسن‌نیت هستند و قطع مذاکرات بدون دلیل موجه در تعارض با تعهد اخیر است، به نظر می‌رسد جبران عینی به معنای اخیر (الزام قطع‌کننده مذاکره به از سرگیری مذاکره) قابل پذیرش است؛ (v. De Coninck, 2002, p: 105) در عین حال با توجه به عدم تصریح اصول در این خصوص و اختلاف‌هایی که میان نظام‌های حقوقی داخلی وجود دارد، اقبال یا عدم اقبال به نظرات مطرح در فوق را باید به عرصه عمل واگذار نمود؛ در این راستا، یکی از آرای دیوان بین‌المللی داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی^۱ جالب توجه است، به موجب این پرونده عرضه‌کننده کابل‌های مخابراتی دعوایی علیه تولیدکننده کابل‌های مزبور اقامه و مدعی شده بود که خواننده با سوءنیت اقدام به قطع مذاکرات نموده است. دیوان بر اساس قانون ایالت نیویورک (به‌عنوان قانون صالح)، خواننده را ملزم به از سرگیری مذاکرات نمود و در تأیید رأی خویش به مواد مختلف اصول از جمله ماده ۱۵-۲، استناد نموده است.^۲

با توجه به عدم پیش‌بینی امکان الزام به انعقاد قرارداد در اصول حقوق اروپایی قراردادها و با عنایت به تأکید اصول مزبور بر حسن‌نیت، به نظر می‌رسد مطالب پیش‌گفته در خصوص اصول قراردادهای بین‌المللی درباره اصول حقوق اروپایی قراردادها نیز صادق است.

در نظام حقوقی ایران الزام به انعقاد قرارداد منتفی است، زیرا هیچ تعهدی اعم از قراردادی، قانونی و عرفی مبنی بر انعقاد قرارداد نمی‌توان تصور نمود، الزام به از سرگیری مذاکرات نیز ممکن نیست، زیرا از سویی، ادامه دادن به مذاکرات نیز موضوع هیچ‌گونه تعهدی نیست و از سوی دیگر، انجام مذاکرات با توجه به ویژگی آزاد بودن آن قابلیت اجبار ندارد؛ توضیح این که مذاکره نمودن امری کاملاً شخصی است و بدون خواست و تمایل شخص، انجام مذاکره بی‌معنا است.

1. ICC International Court of Arbitration.

2. <http://www.unilex.info/case.cfm?pid=2&do=case&id=644&step=Abstract>

حال که معلوم شد الزام به انعقاد قرارداد و نیز الزام به سرگیری مذاکرات منتفی دانسته شد، باید سراغ شیوه‌های دیگر جبران خسارت رفت؛ در این میان، پرداخت مبلغی پول برای جبران خسارت‌های وارد شده به طرف زیان‌دیده شیوه رایج است.

بند دوم - خسارت‌های قابل جبران

وقتی سخن از پرداخت خسارت به میان می‌آید، تعیین نوع خسارت‌های قابل جبران اهمیت پیدا می‌کند؛ در این خصوص با دو دسته خسارت مواجه هستیم، از سویی، زیان‌دیده بابت مذاکرات متحمل هزینه‌هایی گردیده و منافعی را از دست داده است، از سوی دیگر، با قطع مذاکرات منافعی را از دست داده که در صورت عدم قطع مذاکرات و انعقاد قرارداد، به منافع مزبور دست می‌یافت؛ از خسارت‌های نوع نخست به خسارت‌های منفی و از خسارت‌های دسته دوم به خسارت‌های مثبت یاد شده است. (V. De Coninck, 2002, pp: 35-36)

در حقوق فرانسه آن چه مسلم دانسته شده، این است که قطع‌کننده مذاکرات نه تنها باید هزینه‌ها و مخارج تحمیل شده به طرف مذاکره را پرداخت نماید، بلکه چنانچه از دانش فنی، *(savoir faire)* اطلاعات محرمانه یا اسرار به دست آمده در اثر مذاکرات بهره‌مند گردیده، باید از عهده غرامت‌های مربوط به آن نیز برآید. هم‌چنین است اگر قطع همراه با تقصیر مذاکرات به اعتبار تجاری طرف مقابل لطمه وارد نماید. (De Coninck, 2002, p: 35)

در مقابل، خسارت‌های مثبت قابل مطالبه دانسته نشده است؛ توضیح این که زیان‌دیده نمی‌تواند مدعی شود که اگر مذاکرات ادامه می‌یافت و قرارداد منعقد می‌گردید، در موقعیتی قرار می‌گرفت و منافعی را تحصیل می‌کرد که اینک به دلیل قطع مذاکرات و عدم انعقاد قرارداد، از آن منافع محروم مانده است، زیرا زیان‌دیده نمی‌توانسته روی تشکیل قطعی قرارداد نهایی‌ای حساب باز کند که طرف مقابل می‌توانسته (حتی همراه با تقصیر) از آن چشم‌پوشی نماید. (De Coninck, 2002, p: 36) در واقع باید گفت که خسارت‌های ادعایی مزبور به‌طور مستقیم معلول قطع مذاکرات نیست، بلکه این خسارت‌ها ناشی از عدم انعقاد قراردادی است که

۱. در مورد اسرار تجاری باید توجه داشت اگر مذاکراتی که در طی آن اسرار تجاری فاش می‌شود، به هر دلیلی به نتیجه نرسد، دریافت‌کننده اسرار مزبور در حقوق فرانسه مکلف به رازداری بوده و استفاده یا افشای اسرار مزبور در دکترین و رویه قضایی فرانسه نوعی رویه ضدرقابتی (رقابت مکارانه) محسوب می‌گردد (رهبری، ۱۳۸۸، ص ۱۸۷؛ Le Tourneau et Cadet, 2002, p. 87).

طرف مقابل هیچ تکلیفی به انعقاد آن نداشته است؛ به دیگر سخن، زیان دیده هیچ حقی بر انعقاد قرارداد نداشته است که قطع مذاکرات، آن را تزییع کرده باشد. برخی دیگر از حقوق دانان فرانسوی (Malaurie, Aynès et Stoffel-Munck, 2009, p: 238; v. aussi Buffelan-Lanore et Larribau-Terneyre, 2010, p: 752) نیز با استناد به رویه قضایی، بر مطلب مزبور تأکید نموده‌اند.

بند دوم ماده ۱۵-۲ اصول قراردادهای بین‌المللی نیز اصل لزوم جبران خسارت را مورد پذیرش قرار داده است، لیکن در خصوص قلمرو خسارت‌های قابل جبران تصریحی ندارد؛ با این همه، با توجه به شرح مذکور در ذیل ماده مزبور و نیز با توجه به مقررات و شرح‌های مواد ۱-۴-۷ به بعد اصول، (قسمت چهارم: خسارات) می‌توان به نتایجی در زمینه قلمرو خسارت‌های قابل مطالبه دست یافت.

در شرح مربوط به ماده ۱۵-۲ اصول قراردادهای بین‌المللی (مؤسسه بین‌المللی یکنواخت کردن حقوق خصوصی، ۱۳۷۹، صص ۶۸-۶۹) در مقام بیان قلمرو خسارت‌های قابل مطالبه، از قابلیت مطالبه خسارت‌های منفی سخن گفته شده و امکان مطالبه خسارت‌های مثبت منفی گردیده است؛ در همین راستا، در دعوی یک شرکت کاستاریکایی علیه یک شرکت فرانسوی، دیوان داوری در رأیی به تاریخ ۲۰۰۱/۴/۳۰ با استناد به ماده ۳-۴-۷ اصول، خسارت از دست رفتن فرصت را قابل جبران دانسته ولی در مورد عدم‌المنفع که خسارت مثبت به شمار می‌آید، به دلیل عدم قطعیت آن، جبران خسارت را غیرقابل مطالبه اعلام نمود.^۱ در هر حال، چنان‌چه اطلاق متن ماده پذیرفته شود، متن مزبور از شرح آن موسع‌تر خواهد بود. در این خصوص برخی از حقوق دانان (De Coninck, 2002, pp: 103-104) ضمن تأکید بر لزوم وجود رابطه سببیت میان قطع مذاکرات و خسارت‌های وارد آمده، تفکیک میان خسارت‌های مثبت و منفی را مورد انتقاد قرار داده و معتقدند که تفکیک مزبور منافی اصل جبران کامل خسارت است.

ماده ۱-۴-۷ اصول، حق مطالبه خسارت ناشی از نقض تعهد را پیش‌بینی نموده است؛ در شرح مربوط به این ماده (مؤسسه بین‌المللی یکنواخت کردن حقوق خصوصی، ۱۳۷۹، ص ۲۷۳) قواعد حاکم بر دریافت خسارت به دلیل عدم اجرای تعهد را به مذاکره همراه با سوءنیت نیز توسعه و تعمیم داده است. ماده ۲-۴-۷ اصول از لزوم جبران کامل خسارت‌ها سخن گفته است.

1. <http://www.unilex.info/case.cfm?pid=2&do=case&id=1100&step=Abstract>

به موجب بند ۲ ماده ۲:۳۰۱ اصول حقوق اروپایی قراردادها طرفی که برخلاف حسن‌نیت وارد مذاکره شده یا مذاکره را قطع نموده است و از این راه موجب زیان طرف مقابل گردیده، مسئول جبران خسارت‌های مزبور است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود متن ماده مزبور سخنی از نوع خسارت‌ها (مثبت یا منفی بودن آن) به میان نیاورده است؛ با این همه برخی از نویسندگان (De Coninck, 2002, p: 110; Terré, Simler et Lequette, 1996, p: 142) به استناد شرح‌های مربوط به اصول مزبور، ادعا نموده‌اند که فقط خسارت‌های منفی مورد نظر نگارندگان اصول بوده است، بنابراین آنچه در مورد اصول حقوق اروپایی قراردادها مسلم می‌باشد، امکان مطالبه خسارت‌های منفی است؛ در نتیجه هزینه‌های صورت گرفته، اجرت اقدامات انجام شده و زیان ناشی از اعمال حقوقی که با اعتماد به ادامه مذاکرات انعقاد یافته است، قابل مطالبه خواهد بود، هم‌چنین از دست رفتن فرصت انعقاد قرارداد با دیگران از دیگر ضررهای قابل مطالبه به‌نظر می‌رسد.

در نظام حقوقی ایران آنچه اهمیت دارد، صدق عنوان خسارت از نظر عرفی و قابلیت انتساب خسارت‌های مزبور به قطع غیر موجه مذاکرات است؛ در واقع مهم این است که زیان دیده ورود زیان ناشی از قطع مذاکرات ناموجه را اثبات نماید. بنابراین خسارت‌های مثبت به مفهوم پیش گفته، قابل مطالبه نمی‌باشد، زیرا عدم تحصیل موقعیتی که ممکن بود از انعقاد قرارداد برای شخص پدید آید، ضرر منتسب به قطع مذاکرات نیست، بلکه می‌توان پیش‌تر رفت و گفت که اصلاً عدم تحصیل موقعیت مزبور مشمول عنوان ضرر قرار نمی‌گیرد. به دیگر سخن، همان‌گونه که برخی از فقیهان (نائینی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۳۷۸) بیان نموده‌اند، ضرر از دست آن چیزی است که شخص واجد آن است، به اعتقاد ایشان، عدم‌النتفع نیز در صورتی که مقتضی آن کامل شده و تمامیت یافته باشد، از مصادیق ضرر به‌شمار می‌آید.

نتیجه

با بررسی‌های صورت گرفته درباره قطع مذاکرات مقدماتی و مسئولیت ناشی از آن، معلوم گردید که هرچند اشخاص در انعقاد قرارداد و نیز خودداری از آن آزاد هستند و در نتیجه مجاز هستند که به‌رغم ورود به مذاکرات مقدماتی، از ادامه مذاکرات و مآلاً انعقاد قرارداد اجتناب نمایند، لیکن در مواردی که مذاکرات مقدماتی اعتماد مشروع و متعارف طرف مقابل مبنی بر

تحصیل قرارداد را ایجاد نموده باشد، مسأله مسئولیت قطع کننده مذاکرات مطرح می‌شود. در نظام حقوقی فرانسه و اصول مورد بررسی، مسئولیت مزبور مبتنی بر نقض تعهد حسن نیت است. در واقع نقض تعهد مزبور نوعی تقصیر به‌شمار آمده و مسئولیت مدنی غیر قراردادی نقض کننده را موجب می‌گردد. در نظام حقوقی ایران برای پذیرش مسئولیت قطع کننده مذاکره، می‌توان از مبانی عام مسئولیت مدنی بهره برد؛ در این راستا، قواعد تسبیب، غرور، تقصیر و نفی ضرر قابل استفاده خواهد بود. البته بدیهی است اعمال هر یک از قواعد مزبور منوط به تحقق شرایط مربوط می‌باشد. در هر حال مسئولیت مدنی ناشی از قطع مذاکرات، تکلیف قطع کننده مذاکرات به جبران خسارت را به دنبال دارد، در این راستا امکان جبران عینی خسارت (الزام به انعقاد قرارداد یا از سرگیری مذاکرات) منتفی است. توضیح این که از سویی الزام به انعقاد قرارداد قابل پذیرش نیست. زیرا تعهد طرفین مذاکره یک تعهد ساده به رعایت حسن نیت بوده و نمی‌تواند موجب الزام ایشان به انعقاد قرارداد گردد. به دیگر سخن ایشان تعهدی به انعقاد قرارداد نداشته‌اند که در مقام جبران عینی، از الزام به انعقاد قرارداد سخن به میان آید. از سوی دیگر الزام طرفین به از سرگیری مذاکرات نیز پذیرفتنی نیست، زیرا مذاکره نمودن امری کاملاً شخصی است و بدون خواست و تمایل شخص، انجام مذاکره بی‌معنا است؛ بنابراین پرداخت غرامت تنها راه جبران خسارت است.

در خصوص خسارت‌های قابل جبران، باید گفت هزینه‌های تحمیل شده به زیان دیده که از قطع مذاکرات ناشی شده و نیز منافع مسلمی که وی از دست داده، قابل مطالبه هستند؛ البته منافع احتمالی که در صورت انعقاد قرارداد و اجرای آن ممکن بود نصیب خواهان گردد و به خسارت‌های مثبت موسوم است، قابل مطالبه دانسته نشده است. از نظر حقوق ایران نیز فقط خسارت‌های مسلم قابل مطالبه است و منافع صرفاً احتمالی آینده قابل مطالبه نیست. البته برای مسلم دانستن منافع از دست رفته، داوری عرف و فراهم بودن موجبات منفعت لازم و کافی به نظر می‌رسد.

منابع

فارسی و عربی

- انصاری علی، (۱۳۸۸)، *تئوری حسن نیت در قراردادها*، چ ۱، تهران، انتشارات جنگل.
- انصاری مرتضی، (۱۴۱۴ق)، *رسائل فقهیه*، چ ۱، قم، المؤتمر العالمی بمناسبة الذکری المئویة الثانية لمیلاد الشیخ الأنصاری.
- بهرامی احمدی حمید، (۱۳۸۸)، *حقوق مدنی ۴*، مسئولیت مدنی، چ ۱، تهران، نشر میزان.
- حائری مسعود، (۱۳۷۳)، *مبانی فقهی اصل آزادی قراردادها و تحلیلی از ماده ۱۰ قانون مدنی*، چ ۱، تهران، انتشارات کیهان.
- حسینی سیستانی سید علی، (۱۴۱۴ق)، *قاعده لا ضرر و لا ضرار*، قم، مکتب آیه الله العظمی السید السیستانی.
- حسینی مراغی میرفتاح، (۱۴۱۷ق). *العناوین الفقهیه*، ج ۱، چ ۱، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- حسینی مراغی میرفتاح، (۱۴۱۸ق). *العناوین الفقهیه*، ج ۲، چ ۱، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- حکیم سید محسن، (بی تا). *نهج الفقاهه*، قم، انتشارات ۲۲ بهمن.
- خمینی سید روح الله، (۱۳۹۰ق). *تحریر الوسیلة*، ج ۱، چ ۲، نجف، مطبعة الاداب.
- خوئی سید ابوالقاسم. (۱۳۷۷). *مصباح الفقاهه*، ج ۳، چ ۱، قم، مکتبه الداوری.
- رحمانی محمد (۱۳۷۶) «قاعده غرور». *مجله فارسی فقه اهل البيت*، سال سوم، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۷۶، صص ۱۶۸-۲۰۲.
- رهبری ابراهیم، (۱۳۸۸). *حقوق اسرار تجاری*، چ ۱، تهران، انتشارات سمت.
- شهیدی مهدی، (۱۳۷۷). *تشکیل قراردادها و تعهدات*، چ ۱، تهران، نشر حقوق دان.
- شهیدی مهدی، (۱۳۸۴). *حقوق مدنی ۳ - تعهدات*، چ ۷، تهران، انتشارات مجد.
- صفایی سید حسین، (۱۳۸۵). *دوره مقدماتی حقوق مدنی*، ج ۲، چ ۴، تهران، نشر میزان.
- صفایی سید حسین، رحیمی، حبیب الله، (۱۳۸۹)، *مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)*، چ ۱، تهران، سمت.
- طباطبائی یزدی سید محمد کاظم، (۱۳۷۸)، *حاشیه المکاسب (چاپ سنگی)*، چ ۱، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
- کاتوزیان ناصر، (۱۳۸۵)، *حقوق مدنی*، قواعد عمومی قراردادها، ج ۱، چ ۷، تهران، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا.

- کاتوزیان ناصر، (۱۳۷۸)، الزام‌های خارج از قرارداد (ضمان قهری)، ج ۱، چ ۲، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- کاتوزیان ناصر، (۱۳۸۵)، دوره مقدماتی حقوق مدنی، اعمال حقوقی (قرارداد ایقاع)، تهران، شرکت سهامی انتشار، ج ۱۱.
- کدخدائی عباسعلی، (۱۳۸۰)، «نگرشی به ساختار دیوان دادگستری اروپایی و نقش آن در روند همبستگی اتحادیه»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۵۱، صص ۸۷-۱۰۶.
- مؤسسه بین‌المللی یکنواخت کردن حقوق خصوصی (UNIDROIT)، (۱۳۷۹)، اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، ترجمه و تحقیق: اخلاقی، بهروز و امام، فرهاد، چ ۳، تهران، شهر دانش.
- محقق داماد سید مصطفی، (۱۳۷۸)، قواعد فقه مدنی، ج ۱، چ ۷، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
- محقق داماد سید مصطفی، (۱۳۸۸)، نظریه عمومی شروط و التزامات در حقوق اسلامی، چ ۱، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
- مصطفوی سید محمد کاظم، (۱۴۱۷ق)، مائتة قاعدة فقهیه، چ ۳، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
- موسوی بجنوردی سید حسن، (۱۴۱۹ق)، القواعد الفقهیه، ج ۱، چ ۱، قم، نشر الهادی.
- نائینی محمد حسین، (۱۴۱۸ق)، منیة الطالب (تقریرات توسط شیخ موسی خوانساری)، ج ۳، چ ۱، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
- نراقی ملا احمد، (۱۴۱۷ق، ۱۳۷۵)، عوائد الأيام، چ ۱، بی‌جا، مرکز النشر التابع لمكتب الإعلام الإسلامی.

منابع لاتین

- Bénabent, Alain. (1995). *Droit civil, Les obligation*, 5^e éd., Paris, Éditions Montchrestien,
- Buffelan-Lanore, Yvaine et Larribau-Terneyre, Virginie. (2010). *Droit Civil, les obligations*, 12^e éd., Paris, Dalloz.
- Carbonnier, Jean. (1988). *Droit civil, Les obligations*, (Vol. 4). Paris, Presses universitaires de France.
- Code Civil Français.
- Colin, Capitant et Julliot De la Morandière. (1966). *précis de Droit civil*, T. 2, 3^e éd., Paris: Dalloz.

- De Coninck, Bertrand. (2002). *Le droit commun de la rupture des négociations précontractuelles*, in *Le processus de formation du contrat*, Paris, LGDJ.
- Flour, Jacques, Aubert, Jean-Luc et Savaux, Éric. (2002). *Les obligations, L'acte juridique*, 2^e éd., Paris, Armand Colin et Delta.
- <http://www.unilex.info/case.cfm?pid=2&do=case&id=1100&step=Abstract> (last visited 2/2/2015)
- <http://www.unilex.info/case.cfm?pid=2&do=case&id=1670&step=Abstract> (last visited 2/2/2015)
- <http://www.unilex.info/case.cfm?pid=2&do=case&id=644&step=Abstract> (last visited 2/2/2015)
- <http://www.unilex.info/case.cfm?pid=2&do=case&id=813&step=Abstract> (last visited 3/2/2015)
- International Institute for the Unification of Private Law. (2010). *Principles for International Commercial Contracts*, Rome, published by the International Institute for the Unification of Private Law (UNIDROIT).
- Le Tourneau, Philippe et Cadiet, Loïc. (2002). *Droit de la responsabilité et des contrats*, Paris, Dalloz.
- Malaurie, Philippe, Aynès, Laurent et Stoffel-Munck, Philippe. (2009). *Droit Civil, les obligations*, 4^e éd., Paris, Defrénois, Lextenso éditions.
- Marty, Gabriel et Raynaud, Pierre. (1988). *Droit Civil, les obligations*, (2nd éd. Vol. 1). Paris, Sirey.
- Mazeauds, Henri, Léon et Jean et Chabas, François, (1985). *leçons de Droit civil*, T. 2 , V. 1, 7^e éd., Paris, Éditions Montchrestien.
- Terré François, Simler Philippe, Et Lequette, Yves. (1996). *Droit Civil, Les obligations*, 6^e éd, Paris, Dalloz.
- The Principles Of European Contract Law.
- Weill, Alex et Terré, François. (1980). *Droit Civil, les obligations*, 3^e éd., Paris, Dalloz.